



legislative Criminal Policy in the Iranian Legal System on Child Rights Violations in the Field of Computer Games

Mohammad Khorshidi Athar¹ 

1. Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Criminal protection of children against computer games following the fundamental transformation in the light of technological advances and the spread of computer games along with increasing the power of its impact on human thought and behavior is inevitable. On the one hand, entertaining children due to their strong interest in computer games, and on the other hand, the wide range of such games with large investments to develop computer games in the age group of children In addition to the unhealthy and harmful effects on this vulnerable group has raised many concerns for thinkers. In this study, the criminal policies of the Iranian legal system regarding the violation of children's rights in the context of computer games compared with international documents and from a critical point of view has been evaluated and by perusing the strengths and weaknesses of related laws, the need for comprehensive rules to protect the rights of the child against harming of computer games has been emphasized by formulating an effective differential criminal policy.

Method: The method of discussion in this research is descriptive-analytical and the method of data gathering is library.

Results: In Iran's legal system, a review of the laws related to the current criminal policy regarding the violation of children's rights in the field of creating, publishing and distributing computer games reveals gaps and defects.

Conclusion: By examining the situation of children and their rights against computer games and studying the negative and inappropriate effects of this universal and effective technology on children it is possible to achieve a comprehensive support program containing differential criminal policies against child victimization through the use of computer games. A differential approach to substantive criminal law in the field of child safety in relation to computer games is the role that the legislature can play in protecting children and to prevent the abuse of the rights of this vulnerable group.

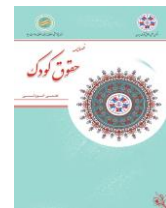
Keywords: Criminal Policy, Child Rights, Victimization, Computer Games, Law on Protection of Children and Adolescents

Corresponding Author: Mohammad Khorshidi Athar; **Email:** msun2112@gmail.com

Received: May 16, 2021; **Accepted:** July 19, 2021

Please cite this article as:

Khorshidi Athar M. legislative Criminal Policy in the Iranian Legal System on Child Rights Violations in the Field of Computer Games. *Child Rights Journal*. 2021; 3(10): 47-57.



سیاست جنایی تقنینی در نظام حقوقی ایران در قبال نقض حقوق کودک در بستر بازی‌های رایانه‌ای

محمد خورشیدی اطهر^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تحولات بنیادین در پرتو پیشرفت فناوری‌ها و شتاب گسترش بازی‌های رایانه‌ای توأم با افزایش قدرت تاثیر آن بر اندیشه و رفتار انسان‌ها، حمایت کیفری از کودکان در برابر بازی‌های رایانه‌ای را اجتناب ناپذیر می‌نماید. از یک طرف، پذیرایی کودکان به سبب علاقه شدید آنان از بازی‌های رایانه‌ای و از طرفی دیگر، طیف وسیع این قبیل بازی‌ها با سرمایه‌گذاری‌های کلان به منظور تدوین بازی‌های رایانه‌ای در رده سنی کودکان در کنار عوارض ناسالم و آثار زیان‌بار آن بر این قشر آسیب‌پذیر، نگرانی‌های بسیاری را برای صاحبان اندیشه برانگیخته است. در این پژوهش، سیاست‌های جنایی نظام حقوقی ایران در خصوص نقض حقوق کودکان در بستر بازی‌های رایانه‌ای ضمن مقایسه با اسناد بین‌المللی از نگاه نقادانه به جهت ارزیابی آن، محل بررسی قرار گرفته و با پرداختن به نقاط قوت و ضعف قوانین مرتبط بر لزوم وضع مقررات جامع حمایتی از حقوق کودک در برابر آسیب‌های ناشی از بازی‌های رایانه‌ای با تدوین سیاست جنایی افتراقی کارآمد تاکید شده است.

روش: روش بحث در تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: در نظام حقوقی ایران بررسی قوانین مرتبط با تمیز سیاست جنایی فعلی در قبال نقض حقوق کودک در زمینه تدوین، نشر و عرضه بازی‌های رایانه‌ای، خلأها و نقص‌هایی را آشکار می‌نماید.

نتیجه‌گیری: از طریق بررسی وضع کودک و حقوق ایشان در برابر بازی‌های رایانه‌ای و مطالعه آثار منفی و عوارض نامناسب این فناوری فراگیر و اثرگذار بر روی کودکان می‌توان به تدوین برنامه جامع حمایتی دربردارنده سیاست‌های جنایی متمایز در برابر بزه‌دیدگی کودکان بر اثر کاربری بازی‌های رایانه‌ای دست پیدا کرد. رویکرد افتراقی در حقوق کیفری ماهوی در حیطه تأمین امنیت کودکان در حوزه بازی‌های رایانه‌ای، نقشی است که مقنن می‌تواند برای حفاظت از کودکان ایفاء نماید و مآلاً از سوء استفاده نسبت به حقوق این گروه در معرض آسیب جلوگیری به عمل آورد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، حقوق کودک، بزه‌دیدگی، بازی‌های رایانه‌ای، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

نویسنده مسئول: محمد خورشیدی اطهر؛ پست الکترونیک: msun2112@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Khorshidi Athar M. legislative Criminal Policy in the Iranian Legal System on Child Rights Violations in the Field of Computer Games. Child Rights Journal. 2021; 3(10): 47-57.

مقدمه

بازی‌های رایانه‌ای به‌عنوان یک پدیده جدید دانش بشری، تقریباً در همه شئون حیات انسان‌ها راه یافته و بنا به دلایل مختلفی، کودکان را شیفته خود کرده است. بازی‌های رایانه‌ای همانند سایر پدیده‌های ساخت دست بشر، ارتباطی دوسویه، موثر و مستمر با کودکان دارد (۱). بازی‌های رایانه‌ای به سبب برخورداری از ویژگی‌های خاصی چون هیجان‌انگیز بودن و سرگرم‌کنندگی در ردیف جدی‌ترین علاقه‌مندی‌های کودکان در کنار بزرگسالان قرار گرفته است و به این خاطر، جامعه هدف بسیاری از بازی‌های رایانه‌ای محسوب می‌گردد به گونه‌ای که مطابق مطالعات صورت گرفته در این زمینه، بین ۷۵ تا ۹۰ درصد کودکان و نوجوانان در سنین مدرسه از بازی‌های رایانه‌ای استفاده می‌کنند (۲).

یقیناً کارکردهای مثبت بازی‌های رایانه‌ای بر کودکان را نمی‌توان نادیده انگاشت و در عین حال نمی‌توان از عامل تهدیدکنندگی روان و جسم کودکان غافل شد. مضافاً بر اینکه نقش بازی‌های رایانه‌ای در روند رشد جسمانی و روانی کودکان انکارناپذیر بوده و نمادی از خلاقیت و توانمندی انسان در دنیای مجازی عنوان می‌شود، ولی به عنوان بخشی از فناوری‌های نوینی محسوب می‌گردد که به دلیل پُر کردن اوقات فراغت کودکان، نیازمند توجه جدی است و نباید از تعیین ضمانت اجرایی علیه سوء استفاده مجرمانه از این پدیده غفلت کرد. به سخن دیگر، بایستی سیاست‌هایی در جهت رفع این نگرانی در جوامع اتخاذ کرد تا ضمن اینکه حضور این بازی‌ها در جریان رشد کودکان مغتنم شمرده شود، ناقضین حقوق کودک در حوزه‌های مختلف تولید، نشر و توزیع بازی‌های رایانه‌ای مورد کیفر قرار گیرند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی موضع سیاست تقنینی در نظام حقوقی ایران در قبال نقض حقوق کودک به واسطه

بازی‌های رایانه‌ای و تبیین بایسته‌ها در این رابطه می‌پردازد. مفهوم «سیاست جنایی تقنینی»، تعریف «کودک»، بررسی «حقوق کودک» در ایران، مباحثی است که در ابتدای این پژوهش (ذیل مقدمه) توضیح داده می‌شود. سپس در چارچوب یافته‌ها، نخست به مطالعه «چالش ارتباط کودک و بازی‌های رایانه‌ای» پرداخته خواهد شد و پس از آن، در صدد پاسخ به این پرسش که: «چه اقدامی صورت گرفته است؟» بر لزوم تدوین برنامه جامع حمایتی از حقوق کودک در دو مبحث رویکرد سیاست جنایی ایران در برابر نقض حقوق کودک در اثر آسیب‌های ناشی از بازی‌های رایانه‌ای در دو بُعد حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی پرداخته شده است. در نهایت، بحث و نتیجه‌گیری مبنی بر فقدان برنامه جامع حمایتی و لزوم اتخاذ سیاست جنایی مناسب برای حمایت از حقوق کودکان، پایان‌بخش مقاله حاضر خواهد بود.

۱. مفهوم سیاست جنایی تقنینی: اصطلاح سیاست جنایی، نخستین مرتبه به عنوان یک رشته مطالعاتی در کتاب «حقوق کیفری» اثر «فوئر باخ» (Feuerbach) استفاده شده است (۳). منصرف از اینکه تعریف واحدی از اصطلاح سیاست جنایی در میان دکتترین حقوقی وجود ندارد و تاکنون نیز دچار تطور مفهومی بسیاری گشته اما به مجموعه روش‌های سرکوب‌گرانه حکومت‌ها تعریف گردیده که با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهند (۴). در ادامه این تحولات معنایی، خانم «دلماس مارتی» (Delmas marty) در حدود یک قرن پس از ارائه تعریف مذکور، ضمن توسعه مفهومی در سیاست جنایی، آن را مجموعه روش‌های هیئت اجتماع در سازمان بخشیدن به واکنش‌های علیه پدیده مجرمانه تعریف می‌نماید (۵). از این رو، دو مفهوم موسع و مضیق از سیاست جنایی بر می‌آید که در معنای موسع آن به کلیه تدابیر مقابله با جرم و انحراف اطلاق می‌گردد که

علاوه بر مجازات‌ها، تدابیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... را نیز شامل می‌شود؛ در مقابل، سیاست جنایی در مفهوم مضیق آن، منحصر در برخوردهای کیفری در راستای مقابله با جرم است (۶). آنچه که در این نگارش از اصطلاح سیاست جنایی به کار برده شده در مفهوم مضیق آن یعنی اتخاذ تدابیر کیفری در قبال جرم انگاری‌های صورت گرفته در خصوص نقض حقوق کودکان است.

سیاست جنایی را با توجه به ابزار مورد استفاده جهت دستیابی به اهداف و نهادهای مسئول سیاست جنایی در حاکمیت‌ها به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم می‌کنند (۵) که به تناسب موضوع پژوهش فقط به سیاست جنایی تقنینی پرداخته می‌شود. سیاست جنایی تقنینی به منزله نخستین لایه سیاست جنایی، تجلی قانون در مبارزه با جرم بوده که متناسب با ارتباط و وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی و ایدئولوژیک هر کشور به نحوه مقابله دولت‌ها با رفتار مجرمانه و دادرسی جرایم می‌پردازد (۷). به این ترتیب، تدبیر انگاری و چاره‌اندیشی قانون‌گذار نسبت به پدیده مجرمانه در قوانین و مقررات ماهوی و شکلی متبلور می‌شود.

۲. تعریف کودک: در لغت، مولود انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک نامیده می‌شود و معادل آن در زبان عربی، طفل یا صغیر است (۸). مفهوم فقهی کودک نیز با عنایت به ابواب مختلف فقهی در رابطه با احکام کودک از معنای لغوی آن دور نیفتاده است. از کلام فقها راجع به بلوغ به وضوح می‌توان استنباط کرد که دوران کودکی را از زمان تولد تا حد بلوغ دانسته‌اند (۹).

در اصطلاح حقوقی، کودک یا صغیر به شخصی گفته می‌شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده باشد (۱۰)؛ با این توضیح که در حقوق خصوصی، کلمه کودک،

مترادف با صغیر به کار برده شده و کسی است که بالغ و رشید نشده باشد (۱۱). به موجب ماده ۱۲۱۰ اصلاحی از قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ مجلس شورا، مفهوم کودک در قانون، برابر با مفهوم گفته‌شده آن در فقه قرار داده شد؛ در حالی که معیار هجده سال تمام اکثر کشورهای دنیا به عنوان شاخص میان کودکی و بزرگسالی افراد به کار می‌رود، قبل از اصلاح این ماده و حذف ماده ۱۲۰۹ از این قانون در تاریخ ۸ دی ۱۳۶۱، صغیر به کسی گفته می‌شد که به سن ۱۸ تمام شمسی نرسیده باشد. در کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۳ نوامبر ۱۹۸۹ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد که دولت جمهوری اسلامی ایران هم به موجب قانون اجازه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱ اسفند ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی به عضویت این پیمان‌نامه جهانی در آمده است، ابتدائاً ملاک ۱۸ سال را برای تفکیک کودک و بزرگسال معرفی نموده ولی ملاک اصلی برای تشخیص کودک در فرضی که سن بلوغ در کشورهای عضو کمتر باشد، قانون دولت متبوع شخص را مقرر داشته است. هر چند که این مسئله دشواری‌هایی از حیث ایجاد مشکلات گوناگون در هماهنگ‌سازی قواعد حقوقی ناظر بر رعایت حقوق کودکان را به همراه دارد؛ اما به نظر می‌رسد مبنای این امر مبتنی بر شخصی بودن سن بلوغ جسمی و فکری بوده که از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بنابراین در نظام حقوقی ایران، کودک را باید افراد غیر بالغ دختری که به ۹ سال تمام قمری و نیز پسری که به ۱۵ سال کامل قمری نرسیده‌اند، اطلاق کرد.

با تحلیل دیگری می‌توان اذعان داشت که سن ملحوظ جهت شناسایی کودک در نظام حقوقی ایران نیز همان ۱۸ سالگی است؛ با این توضیح که در سایر قوانین و مقررات، همان سن ۱۸ سالگی معیار و ملاک قانونی قرار گرفته است. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب

نوامبر ۱۹۸۹ به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در خصوص حقوق کودک به تصویب رسید.

جمهوری اسلامی ایران نیز به لحاظ مبانی دینی و اساسی خود راجع به حقوق کودک با اعمال حق تحفظ با شرط لازم‌الرعایه نبودن مواد کنوانسیون در فرض تعارض با قوانین داخلی و یا موازین اسلامی به کنوانسیون حقوق کودک ملحق گشته است. در عرصه قوانین داخلی نیز، اقدامات موثر و مهمی در راستای حمایت از حقوق کودک صورت پذیرفته است؛ پیش‌بینی نوعی دادرسی افتراقی برای اطفال و نوجوانان بزهکار زیر ۱۸ سال در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ اسفند ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی مجلس شورای اسلامی و اصلاح مواد ۱۰۴۱ و ۱۱۶۹ قانون مدنی به ترتیب در رابطه با افزایش سن نکاح و تقلیل سن حضانت از جمله این موارد است. اما امروزه، مهم‌ترین قانون عادی در رابطه با حقوق کودک را می‌توان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی محسوب نمود که در ۵۱ ماده آن به گونه مفصل‌تر از قانون قبلی یعنی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۲۵ آذر ۱۳۸۱ به جنبه‌های مختلف حمایتی از اشخاص زیر ۱۸ سال پرداخته است.

روش

این تحقیق از حیث نوع، نظری است؛ روش بحث در آن به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده است.

یافته‌ها

۱. چالش ارتباط کودک و بازی‌های رایانه‌ای: در کنار تمام آثار مناسب و کارکردهای مثبت بازی‌های رایانه‌ای

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی، شمول قانون به افراد زیر ۱۸ سال بیان شده است، همان طوری که قانون منسوخ حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۲۵ آذر ۱۳۸۱ به عنوان قرینه‌ای دیگری بر انتهای کودکی افراد تا سن ۱۸ سالگی، قابل استناد بود؛ نمونه دیگر قابل ذکر در این خصوص، قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۱۳ مجلس شورا بوده که ملاک تشخیص رشد اشخاص را سن ۱۸ سال عنوان کرده و همین‌طور در بند ۲ اصلاحی ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۷ آذر ۱۳۷۸، ملاک ۱۸ سال تمام شمسی در زمره شرایط انتخاب شونده‌گان و انتخاب‌کنندگان این مجلس قلمداد شده است.

۳. حقوق کودک در ایران: کودکان به خودی خود، نقشی در شرایطی که گرفتار آن هستند، ندارند؛ اوضاع و احوال حاکم بر کودکان، حاصل عملکرد و تصمیم آن‌ها نیست که آینده کودکان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در واقع، کلیت جامعه به دلایل شکننده‌تر بودن شرایط نسبت به کودکان، اولییتی ویژه در راستای تأمین مقتضیات انسانی-زیستی مطلوب برای این قشر قائل بوده و عموماً در نظام‌های فکری دنیا، تلاش‌هایی برای دفاع از حقوق کودکان و تضمین رعایت آن‌ها صورت پذیرفته است. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم میلادی به موازات رشد فکری بشر و در پی تغییر نگرش‌ها در تعریف انسان و رواج نگرش تحلیلی جامعه‌شناختی نسبت به عملکرد انسان، توجه به حقوق کودک جلوه‌ای ویژه یافت (۱۲). در همین بحبوحه، مقاله‌نامه‌های متعددی از سوی سازمان جهانی کار در رابطه با منع به کارگیری کودکان و تغییر و بهبودی شرایط کار برای آنان، تصویب و اعلامیه جهانی حقوق کودک از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد منتشر شد تا اینکه در یک اقدام جامع‌تر و اجرایی‌تر، کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰

رایانه‌ای به همراه کنش‌های روانی آن در کودک پدید می‌آید (۲).

۲. سیاست جنایی ایران در قبال نقض حقوق کودک در تدوین، نشر و عرضه بازی‌های رایانه‌ای: لازمه اتخاذ سیاست‌های جنایی متناسب در برابر آسیب‌های ناشی از تدوین، نشر و عرضه بازی‌های رایانه‌ای، وضع قوانین و مقررات در جهت برقراری حمایت کیفری از حقوق کودک است تا از این طریق به مقابله با عوامل ناقض این حقوق پرداخت؛ هر چند که نباید تنها راه‌حل نهایی در این امر تلقی شود. در واقع، بایستی پیش‌بینی سیاست‌های جنایی کارآمد و رسا از جمله ضمانت اجرای برنامه جامع حمایت از حقوق کودکان در عرصه بازی‌های رایانه‌ای محسوب گردد. این قسمت، عهده‌دار بیان گام‌هایی است که در حقوق موضوعه ایران در دو بعد داخلی و بین‌الملل برای تضمین رعایت حقوق کودک در حوزه بازی‌های رایانه‌ای برداشته شده است:

۱-۲. رویکرد حقوق بین‌الملل بر سیاست جنایی در برابر نقض حقوق کودک در بازی‌های رایانه‌ای: اسناد بین‌المللی از این حیث که مطابق ماده ۹ از قانون مدنی مقرر گشته که عهدنامه‌هایی که مورد پذیرش دولت ایران قرار می‌گیرد در حکم قانون شناخته می‌شوند در رابطه با بررسی حقوق کودک در زمینه بازی‌های رایانه‌ای دارای اهمیت است. صرف نظر از شمول تمام مواد «اعلامیه جهانی حقوق بشر» مصوب ۱۹۴۸ میلادی به عنوان سند بنیادین پیرامون حقوق مشترک انسان‌ها نسبت به کودکان، در چند نقطه از متن این اعلامیه نیز به طور خاص اقدام به برآوردن حمایتی ویژه از کودکان نموده است؛ در بند ۲ ماده ۲۵ آن، «مراقبت مخصوص» و «حمایت اجتماعی» از کودکان را جزء حقوق ایشان برشمرده است که به جهت اطلاق آن، برخورداری کودکان از این مراقبت و حمایت در برابر آسیب‌های

در پرورش فکری و شخصیت‌سازی کودکان و افزایش مهارت‌های جسمی و روحی آنان، نگرانی‌هایی در مورد تبعات مخرب بازی‌های رایانه‌ای وجود دارد به گونه‌ای که عوارض فیزیولوژیکی و روانشناختی بازی‌های رایانه‌ای بر کودکان به یک تهدید زیان‌بار علیه کودک مبدل گشته است.

اهم آثار منفی بازی‌های رایانه‌ای بر سلامت روان کودک از این قرار است:

- «وابستگی»: وجود جذابیت در این بازی‌ها و تجربه لحظات هیجان‌انگیز از سوی کودکان توأم با فقدان نظارت مناسب والدین و استفاده مفرط و وسواس‌طور از آن منجر به اعتیاد کودکان به بازی‌های رایانه‌ای به عنوان یک مشکل احساسی-اجتماعی می‌گردد (۱۳).

- «خشونت‌گرایی»: که در اثر نمایش رفتارهای پرخاشگرانه در بازی‌های رایانه‌ای با یادگیری مشاهده‌ای از سوی کودک، قابل انتظار است (۱۴).

- «انزوا طلبی»: ایجاد لذت خاص در کودکان به واسطه استفاده کودکان از بازی‌های رایانه‌ای و ترجیح بازی رایانه‌ای بر هم‌نشینی با دیگران ضمن فراموشی خودتنهایی از سوی کودک منجر به کاهش تعامل کودک با خانواده و اجتماع می‌گردد (۱۴).

- «القاء اضطراب»: که به سبب هم‌ذات‌پنداری با نقش‌ها و موقعیت‌های قرارگیری در بازی‌های رایانه‌ای در نتیجه ایجاد تنش و برانگیختگی در او و تحریک اعصاب سمپاتیک رخ می‌دهد (۱۳).

همچنین در حوزه آسیب‌های جسمانی بازی‌های رایانه‌ای بر کودک می‌توان به سندرم متابولیک از قبیل فشار خون و چاقی، اختلالات مفاصل همانند افتادن سرشانه‌ها و ایجاد کیست مفصلی، اختلالات بینایی مثل تنبلی چشم و نزدیک‌بینی و نیز، تحلیل سلول‌های مغزی اشاره کرد که بر اثر عدم تحرک و استفاده افراطی از بازی‌های

بازی‌های رایانه‌ای را نیز شامل می‌شود. بر همین اساس در «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که دولت ایران نیز در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ به آن ملحق گشته، لزوم در نظر گرفتن «تدابیر خاص» برای حمایت از حقوق اطفال مطمح نظر قرار گرفته است (۱۵).

نباید این‌گونه پنداشت که عدم توجه به حقوق کودکان در برابر بازی‌های رایانه‌ای در اسناد فوق‌الاشعار، بی‌اهمیتی آن‌ها را می‌رساند، بلکه به دلیل عدم توسعه‌یافتگی این قبیل بازی‌ها به شکل موجود در دنیای امروزی، چندان جلوه ویژه‌ای به این مسئله بخشیده نشده افزون بر اینکه در «کنوانسیون حقوق کودک» هم که به گونه ویژه به مسائل حقوقی کودکان پرداخته شده به کارکرد بازی‌های رایانه‌ای در برابر حقوق کودک اشاره‌ای نگشته است. هر چند که با توسعه مفهومی از عبارت «رسانه‌های گروهی» در این کنوانسیون و تنقیح مناط از آن می‌توان مقررات آن را نسبت به بازی‌های رایانه‌ای نیز مجری دانست. همچنین در مقدمه کنوانسیون مذکور، دوران کودکی به طور عام مستلزم مراقبت‌ها و مساعدت‌های ویژه‌ای از سوی دولت‌های عضو عنوان گردیده است. با این عمومیت، ماده ۱۷ این کنوانسیون که به طور مستقیم به موضوع کودک و رسانه اختصاص یافته و یا بند ۱ ماده ۲۹ آن که بیانگر اصول کلی سیاست‌های حاکم بر آموزش و پرورش کودکان است و احکامی را در این زمینه مقرر داشته که حتی نسبت به پدیده بازی‌های رایانه‌ای در قبال کودکان قابل توجه است.

همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد در اسناد بین‌المللی بنا به ماهیت و کارکرد آن‌ها بر جنبه ایجابی حمایت از حقوق کودکان در برابر آثار مخرب بازی‌های رایانه‌ای

توجه گشته و به مقرره‌ای مبنی بر لزوم اتخاذ سیاست‌های جنایی افتراقی نسبت به نقض حقوق کودکان در این زمینه اشاره‌ای نشده ولی از حیث ارشاد و الزام دول عضو به ایجاب مراقبت مخصوص و حمایت ویژه از کودکان، ضرورت برقراری چنین تدابیر قانونی مستفاد می‌گردد؛ چه اینکه حوزه داخلی اعمال واکنش‌های کیفری علیه متعرضان حقوق کودک در عرصه بازی‌های رایانه‌ای مانع از این امر شده است.

۲-۲. رویکرد قوانین داخلی بر سیاست جنایی

نسبت به نقض حقوق کودک در بازی‌های رایانه‌ای:

علی‌رغم وجود مبانی دینی و فرهنگ غنی ایران در خصوص نگاه متعالی به کودکان و تأکید بر پاسداشت حقوق آنان، مع الاسف در قوانین و مقررات کشور اهتمام جدی به تعیین سیاست جنایی ویژه نسبت به متعرضین حقوق کودک علی‌الخصوص در حوزه جرایم رایانه‌ای مشاهده نمی‌گردد؛ این نقص در وضع قوانین نسبت به کیفر متجاوزان به حقوق کودکان آنگاه جلوه‌گر می‌شود که با وجود اینکه بر ضرورت آن در اصول و کلیات اسناد بالادستی تأکید شده، عموماً تفکیکی میان مقابله با بزه دیدگی کودکان در مقایسه با بزرگسالان وجود ندارد.

برای مثال، «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» و «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» در بندهای ۱ و ۲ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان وظایف دولت بر شمرده شده که طبعاً شامل مبحث کودکان و بازی‌های رایانه‌ای نیز می‌گردد. همچنین در بند ۱ ماده ۱ مصوبه ۲۵ آذر ۱۳۹۴ شورای عالی فضای مجازی با موضوع «سیاست‌های حاکم بر برنامه ملی بازی‌های رایانه‌ای» به «اولویت‌بخشی به محتوا، فرهنگ‌سازی عمومی و جریان

سازی فرهنگی در داخل کشور و در عرصه بین‌الملل و مقابله مؤثر با تهاجم فرهنگی با تکیه بر اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی» همانند کلیات مستند قبلی می‌تواند در مبحث ضرورت اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در برابر تهدیدات بازی‌های رایانه‌ای علیه کودکان مورد توجه قرار گیرد. در بخش‌های مختلف مفاد ۱۱ ماده‌ای «اساسنامه بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای» مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۰۹ اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به این ضرورت تأکید شده است؛ در بخش مقدمه آن با ذکر عبارت «تأثیرگذاری خود در زمینه فرهنگ‌سازی، رشد و تکوین شخصیت فرهنگی و علمی و ایفای نقش‌های آموزشی و کمک آموزشی و همچنین پر کردن بخشی از اوقات فراغت گروه‌های سنی مختلف جامعه»، عنوان «تبیین، تقویت و ترویج مبانی فرهنگی و هویت اسلامی-ایرانی از طریق این صنعت با نگاه ویژه به کودکان و نوجوانان» در بند ۱ ماده ۲ در بخش اهداف، بیان «تدوین استانداردهای لازم جهت بررسی کمی و کیفی واردات و صادرات محصولات بازی‌های رایانه‌ای»، در بند ۵ ماده ۳ (وظایف) بر لزوم وضع سیاست جنایی متمایز نسبت به متجاوزان به حقوق کودکان به وسیله بازی‌های رایانه‌ای اشاره گشته است.

هر چند به شکل جامع در قوانین و مقررات ایران، موضوع سیاست جنایی افتراقی نسبت به جرایم حوزه بازی‌های رایانه‌ای علیه کودکان مورد توجه قرار نگرفته است ولی رهیافت‌هایی از این نوع سیاست در برخی از قوانین یافت می‌شود که اشاره به دیدگاه مقنن نسبت به وجود حمایت ویژه و تدابیر خاص در فرض بزه‌دیدگی کودکان به وسیله بازی‌های رایانه‌ای دارد؛ به موجب تبصره ۳ بند ب ماده ۳ قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند» مصوب ۱۶ دی ۱۳۸۶

مجلس شورای اسلامی، «استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکتیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود»؛ از این رو، به کار بردن کودکان به عنوان فاعل مادی در راستای ارتکاب جرایم موضوع قانون مذکور، عامل مشدده عینی در تعیین مجازات علیه فاعلین معنوی بزه محسوب می‌گردد. وجود چنین عاملی در احصاء عوامل تشدید مجازات‌ها در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۵ خرداد ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی، مفقود می‌نماید؛ توضیح آنکه در ماده ۲۶ این قانون، پنج عامل تشدیدکننده مجازات‌ها مقرر گردیده است که جای خالی در نظر گرفتن بزه دیدگی کودکان در جهت اعمال حمایت ویژه از این قبیل اشخاص در معرض آسیب در این ماده قانونی جلوه می‌کند؛ لذا اگر چنانچه شخصی در بستر بازی‌های رایانه‌ای برخط، داده‌های الکترونیکی متعلق به کودکان را برآید و یا اقدام به کلاهبرداری مرتبط با رایانه از کودکان بنماید از حیث تعیین کیفر تفاوتی با وقوع این جرایم علیه بزرگسالان ندارد. بنابراین، این نقص در اتخاذ سیاست جنایی در قبال جرایم رایانه‌ای علیه کودکان در زمینه بازی‌های رایانه‌ای قابل انتقاد به نظر می‌رسد و نگاه ویژه قانون‌گذار را به اصلاح این موارد می‌طلبد.

پیرو تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ از سوی مجلس شورای اسلامی، اگرچه هیچ‌گاه به طور مستقیم در آن به بزه‌دیدگی کودکان ناشی از استفاده از بازی‌های رایانه‌ای اشاره نشده است ولی کلیت آن شامل این قبیل جرایم نیز می‌شود؛ برای مثال، چنانچه تدوین‌کنندگان یک بازی رایانه‌ای با طراحی و برنامه‌نویسی آن به گونه‌ای موجب فرار کودک از مدرسه یا منزل گردند و یا منجر به ترک تحصیل وی از طریق ترغیب یا تشویق کودک شوند حسب مورد به

بحث و نتیجه‌گیری

به موازات توسعه کاربرد فناوری اطلاعات و نفوذ آن در تمام شئون زندگی بشر، بازی‌های رایانه‌ای نیز نقش پررنگی در سرگرمی و فراغت کاربران خود ایفاء می‌کند. در این راستا، استقبال کودکان از این قبیل بازی‌ها به سبب ویژگی‌های خاص آن در حال افزایش است و در عین حال، ارتباط دو سویه کودکان و بازی‌های رایانه‌ای مستوجب آثار مثبت و منفی است (۱۴). عوارض منفی فیزیکی و روانی این بازی‌ها در برابر این قشر آسیب‌پذیر جامعه به نگرانی جهانی مبدل گشته (۱۶) و از این‌رو، توجه بیشتری را در این مقوله به منظور حمایت کیفری از کودکان و مراقبت آنان از آسیب‌های ناشی از کاربری در این بازی‌ها می‌طلبد. چاره این چالش، تنظیم یک برنامه جامع حمایتی است که در آن سیاست جنایی افتراقی نسبت به بزه‌دیدگی کودکان در اثر آسیب‌های ناشی از بازی‌های رایانه‌ای تنظیم گردد تا به موجب آن، ضمانت اجرای مناسبی برای جلوگیری از تجاوز به حقوق کودکان اعمال شود. خلأ وجود چنین قواعد و مقرراتی در نظام حقوقی ایران از طریق بررسی قوانین مرتبط در رابطه با سیاست جنایی فعلی ایران در قبال نقض حقوق کودک در زمینه تدوین، نشر و عرضه بازی‌های رایانه‌ای به رغم برخورداری از اصول و مبانی قوی و غنی، آشکارا مشهود است.

تشکیل دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان در قوه قضاییه، اتخاذ تدابیر حمایتی جدید، تعیین تکلیف وظایف نهادها در مواجهه با اطفال و نوجوانان و جرم‌انگاری‌های جدید در رابطه با نقض حقوق کودک، نوآوری‌هایی است که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ ملحوظ نظر مقنن قرار گرفته است. ولی نظر به گسترش رسانه‌های سایبری و تحول عظیم در ارتباطات اجتماعی با شتاب اعجاب‌آور توسعه فناوری اطلاعات، سیاست‌های

مجازات مقرر در ماده ۸ این قانون محکوم خواهند شد. همچنین در صورتی که انجام یک بازی رایانه‌ای موجب ارتکاب خودکشی کودک را فراهم نماید مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۱۴ علیه عاملین دخیل در تدوین، نشر و عرضه این نوع بازی‌های آسیب‌زا می‌گردد که در این مورد ناسخ ضمنی بند ب ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای تلقی می‌گردد؛ به این وسیله، لحاظ کیفر شدیدتر در قانون مبحث‌عنه در قیاس با قانون جرایم رایانه‌ای، اقدامی قابل تحسین از طرف قانون‌گذار در جهت ایفای گامی موثر در راستای برقراری سیاست جنایی افتراقی در فرض بزه‌دیدگی کودکان محسوب می‌شود.

اما در مقابل ملاحظه می‌گردد در بند ۷ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مجازات «استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط» مقرر نموده که در تعارض با تبصره ۳ بند ب ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند که تکلیف حداکثر مجازات قانونی را در موارد نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز را اذعان داشته، قرار گرفته و به لحاظ اخیرالتصویب بودن آن ناسخ ضمنی قانون مقدم التصویب محسوب می‌شود. این نحوه قانون‌گذاری، صرف نظر از جرم‌انگاری‌های جدید مقنن در زمینه استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه و تولید آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل از این حیث که تعیین مجازات اشد را به میانگین حداقل و حداکثر تا میزان حداکثر مجازات تقلیل داده است، قابل انتقاد به نظر می‌رسد و اقدامی برخلاف سیاست‌های حامی کودکان به حساب می‌آید.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

جنایی لازم متناظر پدیده‌های مجرمانه ناقض حقوق کودک در دنیای سایبر پیش‌بینی نگردیده است. برای مثال، در همین قانون در راستای تقویت سیاست‌های حمایتی از کودکان، نوآوری‌هایی صورت پذیرفته که مسبوق به سابقه تقنینی نبوده است؛ برای نمونه، در بند ۹ ماده ۱۰ آن به تعیین مجازات‌های درجه شش در صورت برقراری ارتباط با کودک به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع اقدام شده که شامل ارتکاب آن در بستر بازی‌های رایانه‌ای نیز می‌گردد. اما بر خلاف این سیاست، در بند ۷ ماده ۱۰ قانون مذکور در قیاس با تبصره ۳ بند ب ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، رویکرد تقلیل یافته‌ای را در مورد مجازات فاعلین معنوی استفاده‌کنندگان از کودکان در ارتکاب جرایم نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز برگزیده است. بنابراین، می‌توان اذعان داشت که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، سیاست جنایی واحدی در راستای لحاظ تدابیر کیفری متمایز در فرض بزه‌دیدگی کودکان بر اثر استفاده از بازی‌های رایانه‌ای اتخاذ نگردیده است؛ گاهی این سیاست جنایی از شدت و قوت بیشتر برخوردار بوده و گاهی به شکل مخففی نمود پیدا کرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده است.

References

1. Akbari M. The effect of computer games on children's personality. Payam-e-Zan Magazine 2008; 200(8): 73-91.[Persian]
2. Haj Khodadadi D, Nazari A, Manteghi M. The Relationship between Family Function, Excitement and Aggression with Video Game Addiction in Students. Information and Communication Technology Quarterly in Educational Sciences. 2014; 5(1): 119-141. [Persian]
3. Najafi Aberandabadi A. Criminal policy. Laserge C (Auther). Tehran: Yalda Publications; 1996. p. 9-11. [Persian]
4. Hosseini M. Criminal policy in Islam and the Islamic Republic of Iran. Tehran: Samt Publications; 2004. p. 153-154. [Persian]
5. Najafi Aberandabadi A. An Introduction to Criminal Policy. Laserge C (Auther). Tehran: Mizan Legal Foundation; 2002. p. 14-16. [Persian]
6. Gheiasi j. Fundamentals of Criminal Policy of the Islamic Government. Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture; 2006. p. 40-41. [Persian]
7. Azimzadeh Ardabili F, Hesabi S. Criminal policy and its conceptual evolution. Law Excellence Quarterly. 2012; 15: 113-133. [Persian]
8. Fayumi A. Mesbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir lil-Rafi'i. Qom: Dar Al-Hijra Publications; 1993. V. 2. p. 374. [Arabic]
9. Al-Najafi MH. Jawahir al-Kalam. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Turath Al-Arabi Publications; 1983. V. 26. p. 4. [Arabic]
10. Safaei H, Qasemzadeh M. Civil rights of persons and incapacitated persons. Tehran: Samt Publications; 2013. p. 174. [Persian]
11. Jafari Langroudi M. Extensive in Legal Terminology. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications; 1999. V. 3. p. 2352. [Persian]
12. Hasani Q. Child rights over time. Chista Magazine. 2007; 238&239: 598-602. [Persian]
13. Pourabedi Naeini H. The effect of video and computer games on children. Gunther B (Auther). Tehran: Javaneh Roshd Publications 2004, p.42-54. [Persian]
14. Alipour A. computer game; Opportunity or Threat?. Tehran: Arjomand Publications; 2011. pp. 33-78. [Persian]
15. Ismaili M. Children's Rights Against the Media. Family Research Quarterly. 2010; 21: 124. [Persian]
16. Walden I. Computer crimes and digital investigations. Oxford: Oxford University Press; 2007. p. 37-74.